

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال سیزدهم، شماره پنجاهم، تابستان ۱۴۰۰

## بررسی شکردها و تحلیل آموزه‌های تعلیمی در هدایت‌نامه عبدالرحیم شیروانی

صدیقه درستی\*، دکتر مجتبی صفرعلیزاده\*\*، دکتر شهریار حسن‌زاده\*\*\*

### چکیده

اشعار تعلیمی بخش رایج و گسترده ادب فارسی است که به شأن اثر و اندیشه دارنده آن در جنبه‌های تعلیمی به صورت نظری و عملی، از دیدگاه ادبی، اهمیت داده است. *هدایت‌نامه میرزا عبدالرحیم شیروانی* متخلص به حزین، از سخن‌سرایان قرن دوازدهم هجری قمری سرشار از آموزه‌های تعلیمی دوره قاجار است. این منظومه خطی که در شمار آثار ارزشمند اخلاقی — حکمی است، تاکنون شناخته نشده است. *هدایت‌نامه* برای هدایت طالبان معرفت، اثری تعلیمی است که مضامین و معانی تعلیمی آن برپایه معارف دینی و فرهنگ اجتماعی و آموزه‌های اخلاقی قرار گرفته است و شاعر به اقتضای گفتمان رایج آموزشی به ایفای مسئولیت فکری و هنری پرداخته است. نگارندگان در این پژوهش بر آن‌اند تا ضمن معرفی اجمالی منظومه *هدایت‌نامه*، جایگاه و تأثیر آموزه‌های دینی و اخلاقی به کاررفته در این اثر را بررسی کنند. نتایج به دست آمده در این پژوهش بیانگر این است که شاعر فردی پرمایه بوده و به اقتضای موقعیت، در حکایات خود معیارهای تعلیمی را بیان کرده است. در این اثر آموزه‌های اخلاقی مثبت نیکی به والدین، دعا، شکرگزاری، تقوا، امید، وفای به عهد و... فراوانی بسیاری دارد.

---

\* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران

sedighe.dorosti@gmail.com

\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران (نویسنده مسؤول)

mojtabasafaralizadeh@gmail.com

\*\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران

asanzadeh@iaukhoy.ac.ir

## واژه‌های کلیدی

آموزه‌های تعلیمی، عبدالرحیم شیروانی، منظومه هدایت‌نامه

## ۱- مقدمه

شعر فارسی از دیرباز کانون توجه گونه‌های ادبی مانند ادبیات عرفانی و تعلیمی است. گره‌خوردگی تنگاتنگ اندیشه‌های هدایتگر در ظرفیت‌های تعلیمی تأثیر ژرفی در سلوک زندگی فردی و اجتماعی داشته است و راه را برای آموزه‌های تعلیمی گشوده است. می‌توان گفت «تعلیم و تربیت همواره یکی از نخستین دغدغه‌های بشر بوده است و اصولاً رسالت پیامبران و نقش آن‌ها در زندگی انسان‌ها برای رسیدن به این هدف بوده است و به تدریج با پیدایش و تکامل ادبیات و تقسیم آن به انواع مختلف، بسیاری از ادیبان بر آن شدند تا با درآمیختن ادب و آموزه‌های پرورشی راه را برای رسیدن به این امر هموارتر کنند و بدین ترتیب ادب تعلیمی شکل گرفت؛ بنابراین منظور از ادبیات تعلیمی ادبیاتی است که نیکبختی انسان را در بهبود منش اخلاقی او می‌داند و خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعلیم اخلاقی انسان می‌کند. رویکردی که از دیرباز، یعنی از روزگار افلاطون و ارسطو در نقد آثار ادبی بسیار متداول بوده است، رویکرد اخلاقی است» (یلمه‌ها، ۱۳۹۵: ۶۳). «ماهیت اصلی ادب تعلیمی (خیر)، حقیقت و زیبایی است» (شفیعی کلکنی، ۱۳۷۲: ۲۷) و قصد آن نمایاندن راه درست و مانع‌شدن از گم‌گشتگی و حرکت فکر آدمی به سوی تعالی و نیکبختی است. ماهیت ادبیات تعلیمی و زیبایی و ظرافت نوع بیان، به‌ویژه در قالب حکایات، سبب می‌شود ذهن و رغبت مخاطب با شور و اشتیاق خاطر در کشش و توجه قرار گیرد؛ در نتیجه بایدهای زندگی با مضامین اخلاقی، حکمی، دینی و اجتماعی، راهی روشن در منش و سبک آن به تصویر می‌کشد و فرد را از نبایدهای دردسرساز و ملال‌آور می‌رهاند.

در ادبیات فارسی به‌ویژه در حوزه شعر و نظم، بخش وسیعی از تراوشات ذهنی شاعران در پیکره ادبیات تعلیمی تعریف شده است؛ برجسته‌ترین رگه‌های فاخر این سروده‌ها برای تعلیم و آموزش سالکان طریق معنویت اختصاص یافته است و در طی قرون تأثیر خود را در سیاهی قلم سرایندگان گذاشته است. از دیدگاه جمال میرصادقی،

حکایات اخلاقی از آثار خلاقانه‌ای است که پیش از مشروطه رواج داشته و به هدف ترویج اصول و مبانی دینی خلق شده است: «حکایات اخلاقی برای ترویج اصول مذهبی و درس‌های اخلاقی نوشته شده، قصه ساده و کوتاهی است که حقیقت‌های کلی و عام را تصویر می‌کند و ساختار آن نه به مقتضیات عناصر درونی خود، بلکه در جهت تحکیم و تأیید قصد و غرض‌های اخلاقی گسترش می‌یابد» (میرصادقی، ۱۳۸۶: ۸۴). به نظر وی قصد و غرض در این حکایت‌ها معمولاً صریح و آشکار است. مواعظ و نصایح، معانی و مضامین ادب تعلیمی در اشعار اخلاقی و حکمی سبب خلق شاهکار ادبی شده است. *هدایت‌نامه* حزین شیروانی از جمله این منظومه‌های ارزشمند است که در امتداد *قابوسنامه* و *گلستان* سعدی نوشته شده است. شاعر در این اثر با قصد تغییر نگرش‌ها، رفتارها و افکار، در قالب حکایات منظوم سخن گفته است و با زیبایی و سادگی بر جاری کردن مؤلفه‌های دینی و تربیتی در هدف تعلیمی خود متمرکز شده است.

#### ۱-۱ پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهد تاکنون منظومه‌های عبدالرحیم شیروانی از نظر تعلیمی بررسی نشده است؛ اما برخی از آثاری که اهل ادب و پژوهشگران درباره شعر او منتشر کرده‌اند، به شرح زیر است:

۱) *مظهر التورکی* اثر عبدالرحیم شیروانی به همت فرهاد رحیمی در انتشارات اندیشه نو به زیور طبع آراسته شده است. ۲) پایان‌نامه تصحیح و تعلیق مثنوی *ذبیح‌نامه* حزین شیروانی از بهنام صدقی بالاسنگ ثبت شده است. ۳) مقاله «نظیره‌پردازان خمسه نظامی» از ابوالقاسم رادفر در *کیهان فرهنگی* شماره ۸۸ درباره *ذبیح‌نامه* عبدالرحیم شیروانی است. ۴) مقاله «بررسی اندیشه‌های عرفانی در دیوان عبدالرحیم شیروانی» از صدیقه درستی در نشریه *سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی بهار ادب*، در خرداد ۱۴۰۰ نمایه شده است. ۵) مقاله «معرفی نسخه خطی دیوان عبدالرحیم شیروانی و بررسی ویژگی‌های سبکی آن از آیت شوکتی» در *دوفصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر* (سال پنجم شماره سیزدهم، بهار، تابستان ۱۳۹۹) ثبت شده است.

## ۲-۱ روش پژوهش

روش پژوهش براساس مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است.

## ۳-۱ عبدالرحیم شیروانی

میرزا عبدالرحیم زاده شهر اردبیل از شاعران سده دوازدهم هجری است. بنابر گفته خود در *مظهرالترکی* در دوره کودکی به شماخی شروان رفته و تا دوره جوانی همان‌جا روزگار گذرانده است. سپس عازم شیراز شده و همان‌جا ساکن شده است. میرزا عبدالرحیم تصریح می‌کند تحت تأثیر ملا محمد فضولی و حضرت امیرعلیشیر نوایی بوده است؛ نیز «میرزا عبدالرحیم در تحریر *مظهرالترکی* از نظریات علمای خصمه ملا جاجیم خان شاملو، ملا قراخان اوغلی قورت، ملا داش دمور قراگوزلو، ملا تنگر یوردی شاهیسون، ملا یردانقولی سیل سُبُر (علمای خمسه) و ملا یولقولی، سود جسته بود» (رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۶). حزین شیروانی به جز *دیوان شعری* و *هدایت‌نامه*، آثار ارزشمند *مظهرالترکی* و *سراج‌الیقین* را نیز دارد. او به زبان‌های فارسی، عربی و ترکی تسلط داشته است. گویا شعر و ادب در دوره زندگی وی در شیراز خریدار نداشته و روزگارش در فقر و تنگدستی سپری شده است:

وین عصر که نیست یک خریدار      جوید سخن نوی ز بازار  
در عصر چو من غریب بودم      زین بهره چو بی‌نصیب بودم  
از مایه دهر دست بد تنگ      پای هنرم شکسته و لنگ

(*شیروانی*، قرن ۱۲: ۲۶۸-۲۷۰)

حزین آثارش را به سبب پند و اندرز و ترغیب و تشویق به امور خیر و تحذیر و عبرت بر امور ناپسند و غیراخلاقی، برای آیندگان خلق کرده است؛ همچنین شعر او به سبب اینکه نام نیکی از هنرش به یادگار بگذارد، دارای شاخصه اصلی است. وی در *ذبیح‌نامه* به این موضوع اشاره می‌کند:

اما که به خاطرم بُدی رنج      حیف است نهان بماند این گنج...  
روزی خردم به رسم یاری      آمد به برم به شرمساری

پرسید حزین چه حال داری      از لفظ چرا گهر نیاری؟  
حیف است هنر نهان بماند      خوب است ز کس نشان بماند

(همان: ۲۷۸-۲۸۶)

#### ۱-۴ هدایت‌نامه

مثنوی هدایت‌نامه حزین شیروانی منظومه‌ای است که منحصرأ به تعلیم مفاهیم اخلاقی در قالب داستان‌های منظوم با رویکرد مذهبی می‌پردازد. این مثنوی شامل چهارده حکایت تمثیل‌گونه است. همه حکایت‌ها در عین استقلال و انسجام به صورت سلسله‌وار به هم پیوند خورده و در قالب داستان‌های سورئالیستی همراه با تلمیحات و تمثیل‌های کهن دینی با تصاویری از دنیای مجازی و واقعیت به هم آمیخته است. مضامین تعلیمی آن‌ها از نمادین بودن این مثنوی‌ها حکایت دارد. «داستان‌های نمادین گاهی با داستان‌های سورئالیستی می‌آمیزد؛ چون هر دو از جهانی صحبت می‌کنند که با احساس‌ها و رازها و غرایب و رؤیاها سروکار دارد و همه چیز بازتاب و تضاد و دگرگونی خود را در همه‌جا پیدا می‌کند. در آن، جهان واقعی و زندگی روزمره در کنار جهان غیرعادی آمده تا دنیای سورئالیستی را خلق کنند» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۳۵۵).

در این حکایت‌ها گاه وقایع منطقی داستان بسیار از واقعیت فاصله می‌گیرد و با دور شدن از موازین عقلی و حسی، روند آن‌ها به آثار تخیلی تمثیلی نزدیک‌تر می‌شود. در هر حال صورت مجاز و واقعیت یا تمثیلی و نمادین بودن حکایت‌ها چندان مدنظر ما نیست؛ آنچه اهمیت دارد، هدف و نتیجه اخلاقی این حکایت‌هاست که زندگی عصر مؤلف را با فرهنگ و آداب و رسوم امروزی مرتبط می‌کند. هر بند از سخن عبدالرحیم شیروانی در نزد اهل خرد سرشار از موازین اخلاقی است و برای هر که به قول حافظ پند پیر دانا را نیوشد، در بردارنده عبرت‌ها و سعادت‌هاست. در مقابل هر کس پند نشنود، بالطبع از زشتی‌های طبع دون‌مایه خود هرآینه در رنج و عذاب خواهد ماند.

#### ۱-۵ انواع شعر تعلیمی

بدون شک هدف هر شعر تعلیمی، تعلیم اخلاق ستوده و نیک و اندیشه‌های برجسته است که در معنای خاص و عام هدف تعلیم و تربیت را آشکار می‌کند. در ادبیات ایران،

شعر تعلیمی در معنی عام بیش از معنی خاص آن توجه اندیشمندان را برانگیخته است. آموزه‌های اخلاقی، عرفانی، مذهبی، اجتماعی و پند و اندرز برای بسترسازی سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها ایفای نقش کرده است. در واقع در بطن شعر تعلیمی «ارزش‌های اخلاقی و انسانی است که چونان گوهرهای تابناک، جان و دل فضیلت‌جویان هنردوست را تاکنون از فروغ معنوی خود روشنی بخشیده و نوازش کرده و در طول حیات هزارساله خود راهنمای نسل‌ها و پرورش‌دهنده قریح و استعداد‌های بسیار بوده است. با نظری گذرا به درون‌مایه متون گذشته آشکار می‌شود که در این قلمرو وسیع ذوق و اندیشه، هرچه مقدس و محترم و والا و زیباست، ستایش شده و از تمامی ناشایست‌ها و رذایل و آنچه موجب سقوط اخلاقی انسان می‌شود، نکوهش و تقبیح به عمل آمده است» (رزمجو، ۱۳۸۲: ۲۶۱). راهی که عبدالرحیم شیروانی در مکتب شاعری پیش گرفته، تقریب به حقیقت و وحدانیت است که به جز در مسیر تعالی بشر نیست. «به‌طورکلی دو نوع شعر تعلیمی در ادبیات ملل دیده می‌شود: الف) شعر تعلیمی که موضوع آن خیر و نیکی است؛ ب) شعر تعلیمی که موضوع آن حقیقت و زیبایی معنوی است» (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۳۷۷).

می‌توان گفت عبدالرحیم شیروانی به نوع دوم، یعنی حقیقت و زیبایی بیشتر متکی بوده است؛ در واقع جنبه حقیقت اشعارش در تعلیم مبانی اخلاقی و دعوت به تهذیب نفس است و جنبه زیبایی اشعارش در کاربرد انواع فنون و زیبایی‌های ادبی نمود یافته و صرفاً در شکل پند و اندرز ارائه شده است:

الا ای مرد دانشمند هشیار <sup>برای پند شد این نظم در کار</sup>

(شیروانی، قرن ۱۲: ۲۲۵)

### ۱-۶ علل و انگیزه‌های رویکرد تعلیمی در هدایت‌نامه عبدالرحیم شیروانی

معیارهای عبدالرحیم شیروانی در هدایت‌نامه، ترغیب به پندآموزی و تعلیم راه و رسم زندگی است. «تعلیم و تربیت از گذشته‌های دور، همگام با ادبیات لایه‌های مختلف ذهن بشر را درنوردیده، روح آدمی را صفا و صیقل بخشیده و راه ناهموار زندگی را از زمین خاکی به فراسوی هستی کشانده است. در طول تاریخ این دو موضوع چنان درهم تنیده شده‌اند که

بازشناسی و بازیابی آن‌ها از یکدیگر ممکن نمی‌نماید. شاعران و نویسندگان رسالت اصلی خود را (پیشرفت معنوی و تربیتی انسان) نادیده گرفته‌اند و در آثار خود افزون‌بر ایجاد لذت ادبی برای مخاطب، زمینه رشد اخلاقی او را نیز فراهم آورده‌اند» (بلمه‌ها، ۱۳۹۶: ۸).

حکایت‌ها یکی از ابزارهایی است که علاوه بر قدرت هنرنمایی شاعران به لایه‌های فکری مخاطبان به‌طور ماندگار تأثیر می‌گذارند و جدا از التذاذ زبانی، خاطره‌های از یاد رفته را بیدار و حس کنجکاوای انسان را در انتقال مفاهیم اخلاقی و تربیتی تحریک می‌کنند. حکایت‌های *هدایت‌نامه* از جمله منظومه‌های تعلیمی است که سراینده آن می‌کوشد با روش غیرمستقیم بخش گسترده‌ای از حکمت‌ها و پندها را به مخاطب انتقال دهد و با تقرّب به حقیقت و وحدانیت در جهت تعالی بشر گام بردارد. سراینده در حکایات *هدایت‌نامه* روش‌های گوناگون تعلیم و تربیت را به کار برده است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

## ۲- بحث و بررسی

سبک هندی بعد از دوره صفوی، در اواخر عهد زندیه و اوایل قاجاریه، راه ضعف پیمود و جای خود را به سبک‌های کهن فارسی داد؛ سبک هندی به تدریج رو به ابتذال گذاشت و موجب پیدایش سبک بازگشت شد. «شعر دوره بازگشت می‌کوشد تا (بی‌کوچک‌ترین دیگرگونی) از همان اخلاقیات، افتخارات، طنز، زهد، فلسفه و عرفان سخن بگوید» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۵: ۶۱). اخلاقیات واقعیت شعر این دوره است که با تفکرات درونی هر شاعری گره خورده است. شاید به همین دلیل باشد که درونمایه کلی اشعار حزین شیروانی در *هدایت‌نامه* مانند دیگر شاعران این دوره بر پایه مبانی اخلاقی و آموزه‌های دینی استوار شده است. شاعر در این حکایت‌های منظوم علاوه بر نکات اخلاقی ستوده فردی، بر اخلاق اجتماعی با رویکرد عقاید دینی و مذهبی، با ساختار ظاهری داستان و حکایت، با درونمایه تمثیلی و اندرزهای حکیمانه بسیار تأکید کرده است. او مخاطب را به داشتن و توجه به فضایل اخلاقی فراخوانده و از رذایل اخلاقی برحذر داشته است. از جمله مضامین تعلیمی برجسته در این اثر، شکرگزاری، دعا، تکریم

مادر، نیکی به والدین، صبر بر رنج‌ها، امیدواری به رحمت الهی، دینداری و تقوا، ناپایداری دنیا، شب‌زنده‌داری و ارزش پایدار وفای به عهد و بسیاری از نکات خیر و شر اخلاقی تربیتی و عواقب نیک و بد آن است که در ذیل روش‌های تعلیم بررسی می‌شود.

## ۱-۲ مضامین تعلیمی با رویکرد دینی در هدایت‌نامه

### ۱-۱-۲ شکرگزاری

همواره نویسندگان و شاعران به تجلی شکرگزاری در متون ادبی و تعلیمی توجه داشته و از آن استقبال کرده‌اند. این عمل ستوده با عنوان یک فضیلت اخلاقی در آموزه‌های دینی به‌ویژه در فرهنگ اسلامی ایرانی و در متون آسمانی بر آن تأکید مؤکد شده است. اهمیت این موضوع اخلاقی چنان است که در آیات و احادیث متعدّد و در آثاری مانند مناجات‌نامه‌ها و پندنامه‌ها و چه بسا در هر اثر ادبی، عرفانی، حماسی، عاشقانه و... در هر الگو و قالبی، میانبری بر شکرگزاری داشته و به ارتباط مستقیم آن با عافیت و وفور نعمت اشاراتی شده است: «لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إنّ عذابی لشدید» (ابراهیم: ۷)؛ اگر شکر نعمت به جای آورید، بر نعمت شما می‌افزاییم و اگر کفران کنید به عذاب شدید گرفتار می‌کنیم. حزین شیروانی در نتیجه ناسپاسی و ناشکری که موجب تباهی نعمت است، چنین آورده است:

بکن شکری که نعمت کم نیاید      که شکر حق همی نعمت فزاید  
ز کفران می‌شود عارض ملامت      ز ناشکری رسد آخر ندامت

### ۲-۱-۲ جهان دار مکافات

از سنت‌ها و قوانین قطعی آفرینش، مسئله مکافات عمل و به‌طور کلی بازتاب و نتایج عمل است؛ یعنی انسان هر کاری را که انجام می‌دهد، خوب یا بد، نتیجه عملش را می‌بیند؛ نتیجه عمل خوب همان پاداش و نتیجه عمل بد کیفر است. در لابه‌لای ابیات هدایت‌نامه، شاعر از نظر آموزه‌های تعلیمی، در قالب مکافات عمل، با بهره‌گیری از شیوه انذار در برابر عمل بد برای تغییر نگرش مخاطب قدم برداشته است. در واقع انذار «خبردانی است که ترساندن در آن لحاظ شده باشد» (اصفهانی، ۱۴۱۴: ۷۹۷). حزین شیروانی در قالب داستان از این منظر به این نکته می‌پردازد که این دنیا مانند کوه است



که در آن انعکاس هر فعل و عمل ما به خود ما برمی‌گردد؛ چنانکه سبب بسیاری از مشکلات و رنج‌ها در پی اعمال و گناہانی است که ما مرتکب آن می‌شویم؛ قطعاً هر عمل نیک ما در این جهان بازتاب نیکویی‌ها و آرامش‌ها خواهد بود و برعکس بروز اعمال ناپسند و نامعقول ما موجب ظهور ناملایمتی‌ها و فساد و فتنه در دنیای ما و گریبانگیر خود ما خواهد بود:

جهان دار مکافات است مطلق کجا در خاک خوابد خون ناحق

(شیروانی، قرن ۱۲: ۲۲۶)

شاعر معتقد است عکس‌العمل هر عملی در همین دنیا به خود آدمی برمی‌گردد:

چو خون بی‌گنه در خاک ریزی به خونت آورد گردون‌ستیزی

(همان: ۲۲۷)

اگر خون بی‌گناهی بریزی، بدون شک روزگار به گونه‌ای می‌گردد تا بازتاب بد عمل خود را به عیان مشاهده کنی:

به خونخواری تو خود چون پای هشتی یقین می‌دان که خود را خود بکشتی...

(همان: ۲۲۸)

به عقیده‌ی حزین انتقامگیری بُعد منفی دنیا است؛ برای مثال اگر کسی قدم در راه کشتن کسی بردارد، به یقین او نیز کشته خواهد شد؛ زیرا خداوند از حق‌الناس و خون کسی نمی‌گذرد (همان: ۲۲۸-۲۲۹).

تجلی این عمل پسندیده در این اثر به حدی توجه شاعر را برانگیخته که همچون اسلاف خود، با علم به این عنایت الهی، مثنوی خود را با سپاسگزاری و برشمردن موهبت‌ها و نعمت‌های خداوند آغاز و توصیه می‌کند تا زنده‌ایم باید همواره قدردان و شکرگزار نعمت‌های الهی باشیم؛ زیرا شکرگزاری نتیجه شناخت نعمت‌های خداوند و سپاسگزاری از صاحب نعمت است:

من ار شکر سزا نتوانم آورد تو از فضل و کرم مشمار آن خرد

کنم شرط آنچنان با حیّ مَنان که ناشکری ز من نآید به دوران

(همان: ۲۳۰-۲۲۹)

حزین آفرینش بشر را عین رحمت حق می‌داند و با قاطعیت با خدای خود عهد و پیمان می‌بندد که هیچ ناشکری کردن سزاوار او نیست. او برای شکرگزاری سر بر خاک می‌نهد و ناپاکی‌ها را از روح و جانش می‌زداید:

پسر را تازه شد از دیدنش جان زمین بنهاد سر بر شکر یزدان

(همان: ۶۵)

## ۲-۱-۳ دعا

در سوره مبارکه غافر آمده است: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» (غافر: ۴۰). خداوند به بنده‌اش وعده اجابت می‌دهد که بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را. توصیه به دعا و مناجات در ادبیات تعلیمی و در آثار بزرگان و منظومه‌های بلند فارسی و آغاز سخن به زیور راز و نیاز با یگانه معبود و فرستادگان و برگزیدگان او از دیرباز متداول بوده است. در آثاری مانند *مناجات‌نامه* منثور خواجه عبدالله انصاری، ستایش‌نامه‌های سنایی، نظامی، مولوی، سعدی و مناجات وحشی بافقی در آغاز منظومه شیرین و فرهاد به این مقوله روحانی و عرفانی توجه شده است. در کلام حزین شیروانی ابیاتی به دعا اختصاص یافته و شاعر با حالتی عابدانه و با خلوص نیت با کردگار سخن گفته است. شاعر در این مناجات‌های خالی از رنگ و ریا به دنبال دعای خیر است؛ او دعا را عامل پیوند انسان با خدا می‌داند:

دعا می‌کرد زن با کردگارش به آمین طفل هم بود یارش  
شنوده حق دعای بی‌ریایش قبول استجابت شد دعایش  
ترحم کرد بر احوال ایشان گشوده شد بر ایشان باب احسان

(شیروانی، قرن ۱۲: ۳۷۴-۳۷۶)

شاعر با ذکر دعا در حالت خضوع و تضرع و با دو چشم پر از اشک به جنبه تعلیمی اثر فعل توجه داشته و با حالتی عابدانه و با خلوص واقعی انتظار عنایت حق را دارد:

دعا کردی دو چشمان گهربار به درگاه خدا با زاری زار  
به ناله گفت کای خلاق عالم به زخمم باز زن از لطف مرحم

(همان: ۶۱-۶۲)

## ۲-۱-۴ شب‌زنده‌داری

تهجد و شب‌زنده‌داری از عبادت‌های مستحبی است که بر انجام آن بسیار تأکید شده است. در فرهنگ دینی حتی عرفانی، ویژگی خاص ارتباط بنده با خداوند شب‌هنگام و به دور از چشم غیر انجام می‌گیرد. راز و نیاز در خلوت تاریک شبانه موجب تحکیم این ارتباط است. حزین این عمل پسندیده را در حکایت پسر زاهد چنین آورده است:

شب خود را سه قسمت کرده بودی      دو دانگ از بیاسودی غنودی  
دو دانگش صرف در بالین مادر      همی‌کردیش خدمت آن نکوفر

(همان: ۳۷-۳۸)

او خالصانه عبادت می‌کند و در کنار آن به آسایش و سلامتی خود اهمیت می‌دهد و در خدمت مادر بودن را کم از عبادت نمی‌داند:

دو دانگ دیگرش در کار طاعت      به یزدان تا سحر کردی عبادت  
پس آن گاهی که می‌شد روز روشن      گرفتی ریسمانی را به گردن  
نهادی روی خود بر دشت و هامون      برای هیزم و خار آن جگرخون  
به پشت خویشتن هیزم کشیدی      به شهر آورده بر قوتی رسیدی

(همان: ۳۹-۴۲)

حزین به صرف عبادت معتقد نیست؛ او در کنار عبادت و پرداختن به معنویات، جایگاهی برای نیازهای مادی قائل شده است که هر انسان باتقوایی در هر کاری اعتدال را برمی‌گزیند.

## ۲-۱-۵ نیکی به والدین

در متون آسمانی و آیات و احادیث، احترام به پدر و مادر بسیار تأکید شده است؛ تاحدی که بی‌احترامی به والدین بعد از شرک به خداوند در شمار بزرگ‌ترین گناهان است: «أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (انعام: ۱۵۱)؛ در مرتبه اول اینکه شرک به خدا به هیچ وجه نیاورید و دیگر اینکه درباره پدر و مادر احسان کنید. حزین شیروانی رعایت احترام به والدین و ادب نسبت به آن دو را از فضل خدا می‌داند و معتقد است هرکسی در اطاعت پدر و مادر باشد، لطف خدا شامل او می‌شود و متقابلاً اگر فردی از

این امر نافرمانی کند، آثار زیانبار و جبران‌ناپذیری را در دنیا و آخرت خواهد داشت. سراینده *هدایت‌نامه* با انگیزه ترغیب و تشویق مخاطب در قالب نصیحت، اطاعت از مادر را توصیه می‌کند و به‌طور هوشمندانه از دریچه مهر مادری وارد می‌شود.

حکایت مربوط به پسر زاهدی است که از پدر و مادر نیک‌سیرت تربیت پذیرفته است؛ زمانی که پدرش از دنیا می‌رود، گوساله‌ای داشته است. پدر آن را در بیشه‌ای رها می‌کند و به امانت خدا می‌سپارد تا زمانی که فرزندش بزرگ شود. پسر بزرگ می‌شود و برای امرار معاش خود و مادرش هر روز هیزم و خار از بیشه جمع می‌کرده و برای فروش به بازار می‌برده است تا روزگار بگذراند. روزی مادرش از حال سخت فرزند که ناراحت است، به یاد گوساله می‌افتد و نشانه‌های آن را به او می‌دهد:

پسر بعد از پدر بگذشته یک چند      بزرگ و متقی گشت و خردمند

(همان: ۳۳)

کنون بر بیشه رو حق را دعا کن      ز یزدان آن امانت ادعا کن....  
ز بیشه شد برون آن گاو در دم      ز دیدارش پسر گردید خرم

(همان: ۵۶-۶۴)

سراینده داستان می‌گوید: خداوند برای امتحان پسر، فرشتگانی می‌فرستد تا گوساله را بخرند؛ اما پسر بی‌اذن مادر گوساله را حتی به بالاترین قیمت نمی‌فروشد:

جوایش گفت من بی‌اذن مادر      نه بدهم، گر دهی هم‌وزن او زر  
اگر عالم دهندم در بهایش      نخواهم دادن او را بی‌رضایش

(همان: ۱۰۹-۱۱۷)

به گمان حزین به سبب فضل و لطف پروردگار است که انسان‌های نیک توفیق می‌یابند تا در اطاعت پدر و مادر باشند؛ برای چنین انسان‌هایی رضایت و حکم مادر برابر با حکم خداوند است و بدون رضایت آن دو کاری انجام نمی‌دهند:

که نیکان اینچنین از فضل داور      نیچند سر پسر از حکم داور  
بیا بنگر همی بر فضل داور      که چون بودی پسر در حکم مادر

(همان: ۱۰۳-۱۰۴)

به اعتقاد حزین شیروانی، از آنجاکه فرزند زاهد در ربقه اطاعت مادر بوده است، فضل و رحمت الهی شامل حال او شده است. در ادامه حکایت، شخصی در قوم بنی اسرائیل به قتل می‌رسد و آشوب و فتنه در میان قوم پدید می‌آید. مردم نزد حضرت موسی می‌روند و راه چاره را می‌پرسند. آن حضرت می‌فرماید: گاوی با این نشانه‌ها باید کشت و از گوشت آن به جسد مقتول باید زد تا مقتول زنده شود و قاتل را معرفی کند:

بزن از لحم او قدری به عامیل فروبشان همی این قال و هم قیل  
شود زنده از آن عامیل در دم بگوید قاتل او کیست عالم

**(همان: ۱۶۹-۱۷۰)**

مردم نشانه‌ها را در گاو پسر زاهد می‌یابند و قرار بیع بر این می‌گذارند که پوست گاو را پر از زر کنند تا پسر به فروش گاو راضی شود؛ بدین ترتیب است که فتنه در میان قوم از بین می‌رود:

پس آنگه جملگی رو برنهادند قرار قیمتش زینگونه دادند  
که جلد گاو را پر زر نمایند ز قدر قیمتش از عهده آیند

**(همان: ۲۱۱-۲۱۲)**

شاعر در این داستان بیان می‌کند که فراوانی زر و طلا و عالمی در برابر رضایت و اذن مادر، ناچیز است؛ به این علت است که پسر چشم طمع بر مادیات می‌بندد و مادرش را راضی می‌کند؛ زیرا رضایت مادر، رضایت خدا را در پی خواهد داشت و بندگان نیک اینچنین در پناه لطف و مرحمت خدا واقع می‌شوند.

## ۲-۱-۲ دینداری و تقوا

حزین شیروانی تقوا را همراه با دینداری معرفی می‌کند. او از دینداری سخن می‌گوید که با دانش و علم و آگاهی توأم است. فرد آگاه و دینداری که خمیره‌اش از عصمت و عفت سرشته شده باشد، می‌تواند با تقوا نیز باشد. او زن با تقوا را با مرد با تقوا همال و قرین هم می‌داند و چه بسا برپایه زبان قرآن سخن می‌راند که «وَالطَّيِّبَاتُ لَطِيبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لَطِيبَاتٍ اُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (نور: ۲۶). زنان پاکیزه نیکو، لایق مردانی چنین و مردان پاکیزه نیکو، لایق زنانی همین گونه‌اند. این پاکیزگان از سخنان بهتانی که ناپاکان درباره آنان گویند، منزّه‌اند و از خدا برایشان آمرزش و رزق نیکوست:

که در عهد بن اسرائیل زین پیش      یکی مرد گزین تقوی اندیش  
که بوده صالح و پرهیزگار او      ز ابنای جهان نیکو شعار او...

(شیروانی، قرن ۱۲: ۱۸-۱۹)

یکی مستوره زن می بود آنگاه      ز دینداری و تقوا بود آگاه

(همان: ۲۸۵)

صفت مستوره و در پرده بودن زن از دیرباز بیانگر پارسایی بوده است؛ شاعر معتقد است چنین زنانی هستند؛ پسندیده و پرهیزکارند و مزین به دینداری و تقوا و خداوند و بندگان آنان را می ستایند.

عبادت پیشه‌ای بس هوشیاری      بسی با دانش و نیکو شعاری

(همان: ۲۸۶)

به گمان شاعر زن بادانش، نیکو شعار است؛ این زن چون هوشیار است، خدا را به نیکی شناخته است و آگاهانه به عبادت خدا می پردازد:

رضیّه، صالحه، اندر زمانه      به ناموس و حیا فرد و یگانه...

(همان: ۲۸۷)

حزین به آن زنی با دیده بزرگی و ارج می نگرد که به ناموس و حیا آراسته باشد.

## ۲-۱-۷ امیدواری

شاعر با راهبرد ترغیبی به صورت ایجابی، مخاطب را با روح امید قانع می کند و بشارت می دهد که داشتن امید، انسان را به زندگی برتر رهنمون می کند. امید به رحمت حق تعالی از مضامینی است که همواره در اشعار و متون ادب تعلیمی و اخلاقی مطرح بوده است. در قرآن کریم نیز پروردگار متعال به پیامبر (ص) امیدواری می دهد که به زودی آن قدر به تو می بخشیم که راضی شوی: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ تَرْضَى» (ضحی: ۵). شاعر با اینکه خود از ناملایمتی های روزگار دلنگ و تلخکام است، سعی بر آن دارد که با کلام آموزنده و حکیمانه و امیدوارکننده خود، مخاطب را با این واژه آرامبخش، به سمت سلامت روح و روان و عواطف دلگرم کننده سوق دهد:

ترخّم کن نظر بیچاره گیم آر      به مأیوسی حزینم، خوار مگذار

نظر از مرحمت آور به‌سویم ز غفران ده صفا بر آبرویم

(شیروانی، قرن ۱۲: ۲۳۰-۲۳۱)

اعتماد به رحمت خدا موجب می‌شود که حزین در هنگام حزن و اندوه و یأس از غیر، دست به دامان پروردگار شود. وی هرآینه بخشش و مرحمت خدا را با عظمت‌تر از گناه بزرگ خویش می‌داند:

ز مهر او چنان امیدوارم نپرسد از جزایم کردگارم

(همان: ۲۴۱)

بیت یادآور این بیت است که «عصیان متناهی و کرم نامتناهی»؛ شاعر به‌اندازه‌ای امیدوار به رحمت حق تعالی است که به‌سبب کرم بی‌منتهای الهی، جزای او را به خاطرش خطور نمی‌دهد.

۲-۱-۸ صبر

«صبر از جمله مفاهیم اخلاقی است که در اخلاق اسلامی بر آن بسیار تأکید شده؛ به‌طوری‌که واژه صبر و مشتقات آن ۱۰۳ بار در ۹۳ آیه و ۴۵ سوره قرآن کریم به کار رفته است. در تفکر اسلامی، مشکلات و حوادث زندگی در واقع آزمایش‌هایی هستند که خداوند برای امتحان بندگانش در مسیر زندگانی آن‌ها قرار می‌دهد. با این نگرش، قرآن کریم به مسلمانان می‌آموزد تا هنگام رویارویی با سختی‌ها در پی یافتن راه‌حل مناسب باشند؛ از بی‌تابی بپرهیزند تا از این امتحان سربلند بیرون بیایند. در عین حال خداوند به آن‌ها وعده یاری و کمک نیز می‌دهد (یلمه‌ها، ۱۳۹۶: ۱۳). توصیه به صبر و شکیبایی در سخن حزین شیروانی نیز امری پسندیده و نیک است که جایگاه ویژه‌ای در بین نکات اخلاقی و تربیتی او دارد. وی صبر بالله را فوق همه صبرها می‌داند و بر صبر توصیه می‌کند:

صبوری چاره‌ساز روزگار است قناعت پیشه دائم کامکار است

(همان: ۳۳۵)

حزین به آن معرفت رسیده است که در قبال سختی‌ها و ناملایمتهای صبر پیشه کند؛ به همین علت است که افراد قناعت‌پیشه را همیشه پیروز و کامکار می‌داند.

۲-۲ مضامین تعلیمی با رویکرد اجتماعی در هدایت‌نامه

## ۲-۲-۱ وفای به عهد

وفاداری در ادبیات تعلیمی ستوده ادیبان و جزو باورهای عامه ایرانیان بوده است و بی‌وفایی و عهدشکنی مذمت شده است. نقض این امر ستوده چه‌بسا ریشه بسیاری از ناکامی‌ها و حوادث تلخ تاریخی در عهدشکنی‌ها و بی‌وفایی‌ها و شکست‌ها را موجب شده است. وفای به عهد از قول خداوند آغاز و به فعل بندگان مزین می‌شود که از اصول و عوامل مهم اعتماد متقابل در زندگی اجتماعی و کمال انسانی است. «وفای به عهد از اصول و شرایط شیخی و مریدی، آداب حج، آداب سماع، علامت دوستی و علامت فتوت عرفان و صوفیه است؛ همچنین بیشتر عارفان، مقصود از صدق را وفای عهد دانسته‌اند» (پناهی و کریمی یونجانی، ۱۳۹۱: ۱-۲۴). در بسیاری از آیات بر وفای به عهد، تأکید بسیار شده است: «وَ اَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ اِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْاِيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا» (نحل: ۹۱)؛ و چون با خدا عهدی بستید بدان وفا کنید و هرگز سوگند و پیمان را که مؤکد و استوار کردید، مشکنید. حزین شیروانی بر این آموزه دینی و اخلاقی تکیه کرده و خطای انسان را بخشودنی می‌داند؛ ولی عهدشکنی را بسیار قبیح می‌شمرد و به هیچ روی نمی‌تواند آن را نادیده انگارد؛ او بر نکوهش این گونه بی‌اخلاقی‌ها زبان می‌گشاید:

ز رحمت خود نظر افکند رویش      زبان بگشود پیغمبر به‌سویش  
که بی‌دستور صاحب مال مردم      چرا کشته نکردستی ترحم

(شیروانی، قرن ۱۲: ۴۲۳-۴۲۴)

وفای به عهد یکی از بااهمیت‌ترین پایه‌های اخلاقی است. به عقیده شاعر هیچ شخصی بی‌دستور صاحب مال اجازه تعرض در مال کسی را ندارد؛ زیرا پای‌بند نبودن به این اصول اخلاقی، ایمان انسان را نیز متزلزل می‌کند تا جایی که آدمی به جان مردم نیز رحم نمی‌کند.

غلط کرده خطا را پانهادی      چرا رسم وفا بر باد دادی؟

(همان: ۴۲۵)

حزین شیروانی پایبندی بر رسم وفاداری که هم وجه فردی و هم ارزش اجتماعی دارد، بسیار تأکید می‌کند.

## ۲-۲-۲ نصایح مادری



زبان بگشود ازبهر نصیحت      بگفتش مهربان با صد فصاحت  
بدان ای مهربان پور عزیزم      که از مهتر نمی‌باشد گریزم

(همان: ۳۲۷-۳۲۸)

در ابیات ذکرشده، منظور شاعر جنبه معنوی رفتار شایسته مادر است؛ مادر نصیحت مادرانه را با گشاده‌رویی و با صد فصاحت بر زبان می‌آورد و هیچ گریزی از مهر فرزندی در دلش نیست:

کلام طفل چون بشنید مادر      قرار هوش او بیرون شد از سر  
به حال آن پسر گردید نالان      ز دیده ریختی بس در و مرجان

(همان: ۳۵۸-۳۵۹)

به نظر شاعر هر قطره اشک مادر که به سبب درد و رنج فرزند از دیدگانش جاری می‌شود، قیمتش بسی بالاتر از هر درّ و مرجان است؛ هر کلام دردآور فرزند، عقل و هوش از سر هر مادری می‌رباید.

۳-۲-۲ احسان و بخشش

از همان ابتدای آفرینش انسان، موضوع احسان و بخشش به نیازمندان مسئله پسندیده و ستوده‌ای بوده است؛ چه بسا در همه ادیان الهی به آن سفارش‌های مؤکد شده است و خداوند به ارزش آن در جای‌جای قرآن کریم اشاره کرده است: «انّ الله یأمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ اِیْتَاءِ ذِی الْقُرْبٰی» (نحل: ۹۰)؛ همانا خداوند مردم را به عدل و احسان و دادن حق خویشاوندان فرمان می‌دهد.

حزین شیروانی در داستان پسر زاهد، این امر دینی را به علت تفهیم مخاطب در چهارچوب حکایت می‌آورد. وی با ظرافت اشاره می‌کند که مردم از حاصل درآمد روزانه‌شان چه قسمی را باید به نیازمندان اختصاص دهند:

به هر قسمت که پشته بیع کردی      سه بهره باز می‌کردی ز مردی  
دو دانگش را نموده صرف مادر      دو دانگش بهر [یار] و خویش دیگر  
دو دانگ دیگرش دادی فقیران      گذشتی روزگار او بدین‌سان

(شیروانی، قرن ۱۲: ۴۳-۴۵)

به عقیده وی هر بنده‌ای که بخشندگی پیشه کند، خداوند او را به سبب بخشش و

فضلش از غیر بی نیاز می کند:

ز الطافش چه سان او را نوازد      ز جود خویش مستغنیش سازد

(همان: ۹۵)

## ۲-۲-۲ پرهیز از حرص و حسد

حرص و حسد یکی از صفات ناپسند اخلاقی و متعلق به قوه شهوانی است. «حرص صفتی است نفسانی که انسان را به اندوختن بیش از احتیاج خود وامی دارد و از شعب حب دنیا و از صفات مهلکه و از اخلاق گمراه کننده است، حرص به بیابانی می ماند که کرانه های آن ناپیداست و همچون سرزمین وحشتناک بی انتهاست که هر قدر حریص در آن پیش می رود به آخر نمی رسد» (ری شهری، ۱۳۸۴: ۵۸۶). حرص آدمی را گرفتار رنج و تعب درونی و دائمی می کند و آفتی است که مانع درک زیبایی ها می شود. به عقیده شاعر، فرد حاسد در هیچ زمان روی آرامش نمی بیند؛ زیرا هر لحظه از پیشرفت دیگران در رنج و عذاب است. حزین شیروانی این جنبه از بی اخلاقی و رنج حاصل از آن را در ساختار حکایت پیوند روباه با اشتر به تصویر می کشد و به گونه ای زیبا تداوم پیروی از هوای نفس و پیامدهای ناگوار آن را نتیجه گیری می کند:

چو قدر هوش خود را نیک نشناخت      فلک بنگر چه سانش سرنگون ساخت

(شیروانی، قرن ۱۲: ۴۹۴)

از دیدگاه شاعر، روزگار و فلک در سرنوشت آدمی دخیل است. «همان قسمت یا تعبیر عرفی و عامیانه از قضا و قدر کلامی» (قاسمی، ۱۳۸۹: ۵۵-۷۲). بر نعمت هایی که داریم، از هوش و ذکاوت و مال دنیا چشم نبندیم.

نظر بر خود فکنده روی اکراه      ز خردی و حقارت برکشید آه

(شیروانی، قرن ۱۲: ۵۰۶)

روباه به دیده حقارت بر خود می نگرد و جز زشتی و اکراه، هیچ نکویی در خود

نمی بیند:

ز بس می خورد رشک حال اشتر      ز خون دل برآمد دیده اش پر

(همان: ۵۰۷)

حسد تحریک خاطر کرد چندان که او هم خود رساند شوکت و شان...

(همان: ۵۰۹)

روباه به‌حدی به حال شتر حسادت و رشک می‌ورزد که ناخواسته و از روی حسد به کاری دست می‌زند تا خود را به جایگاه او برساند؛ این امر موجب می‌شود راحتی و آرامش خاطرش از دست برود و در حسرت روزهای خوش گذشته مدام اندوهناک باشد.

۲-۲-۵ تکریم مادر

محبت مادرانه حقیقتی پاک و ملکوتی است که از عالم قدس سرچشمه گرفته است و در وجود این موجود خاکی تجلی می‌کند. مهر مادری را نمی‌توان با هیچ‌یک از کرامت‌های خداوندی سنجید. تأثیر فضیلت‌ها و خصلت‌های نیکوی هر مادری برای فرزندش مانند نیرویی است که به روزهای سخت او ذخیره شده است؛ بنابراین از دیدگاه حزین این فضیلت‌ها با مهر ذاتی او جلوه می‌کند.

پسر را گفت مادر از محبت که بر خود کم بده زین‌سان مشقت

(همان: ۳۰۹)

به عقیده حزین شیروانی، محبت مادری با حرکت مثبت ادب‌آموزی همراه است. هیچ مادری بر فرزند خود مشقت و رنج را نمی‌پسندد و همواره می‌کوشد فرزندش را با عشق و مهر به آرامش و موفقیت راهنمایی کند. در این حکایت، مادر به سبب اثبات مهرش به فرزند، سختی‌ها و منت‌ها را به جان می‌خرد تا مراتب آسایش و آرامش او را فراهم آورد: **بگفتا مادرش کای مهربانم که باشد از تو منت‌ها به جانم**

مقابلاً فرزند در مقابل مادر بسی متواضع و فرمان‌پذیر است:

اگر فرمان دهی بر کوه باز آی تو را فرمان برد، برخیزد از جای

(همان: ۳۱۰-۸۱)

جدول شماره ۱: مضامین تعلیمی با رویکرد دینی در هدایت‌نامه

نام مضامین	نیکی به والدین	دعا	شکرگزاری	امیدواری	شب‌زنده‌داری	جهان‌دار مکافات	دینداری و تقوا	صبر
------------	----------------	-----	----------	----------	--------------	-----------------	----------------	-----

صد	%۱۰.۵	%۹	%۹	%۸.۵	%۸.۵	%۷	%۶.۵	%۴.۵
----	-------	----	----	------	------	----	------	------

همان‌گونه که در

نمودار بالا دیده می‌شود، بیشترین توجه و تأکید حزین شیروانی در حوزه مضامین دینی و در قالب تعلیمی *هدایت‌نامه*، درباره نیکی به والدین است.

جدول شماره ۲: مضامین تعلیمی با رویکرد اجتماعی در *هدایت‌نامه*

نام مضامین	تکریم مادر	پرهیز از حرص و حسد	احسان و بخشش	وفای به عهد	نصایح مادری
درصد	%۹	%۹	%۷	%۶.۵	%۴.۵

برپایه جدول بالا شاعر با رویکرد اخلاقی، مضمون تعلیمی *هدایت‌نامه* را بر تکریم مادر پایه‌گذاری کرده و با ترغیب مخاطب به احترام به والدین، موجبات توفیق بندگان را فراهم آورده است.

### ۳- نتیجه‌گیری

براساس این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت:

الف) اخلاق تعلیمی در ادبیات، تصاویر پرمعنا و تأثیرگذاری بر شعر در قالب حکایات داستانی داشته؛ نیز نقش اساسی در تعریف منش زندگی و هدایت‌کننده مخاطب به شاهره جامعه زیستی ایدئال بر عهده داشته است.

ب) تعالیم اخلاقی و پند و اندرز ادبی در *هدایت‌نامه* حزین شیروانی با شیرازه دینی و سبک روان و ساده به‌شیوه تذهیب و تحذیر صورت پذیرفته است تا گام‌نهادن در صراط مستقیم را در ذهن و قلب مخاطب، برای وصول به زیبایی معنوی، نهادینه کند.

ج) حزین شیروانی صرفاً در مسیر خود که همانا اصلاح جامعه و تشویق به نیازمندی‌های زندگی دینی است، *هدایت‌نامه* را سروده است؛ مضامین اخلاقی و تعلیمی در بطن حکایات بیانگر حقیقت‌جویی و کمال‌گرایی شاعر است.

د) بسامد بالای آموزه‌های دینی و اخلاقی در این اثر (نیکی به والدین، دعا،

شکرگزاری، تقوا، امید، پرهیز از حرص و طمع و... بیانگر هدف متعالی شاعر برای تعلیم ژرف و مؤثر تدوین شده است. هدایت‌نامه با این جلوه‌های تعلیمی یک اثر ارزشمند است.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اصفهانی، راغب (۱۴۱۴)، المفردات فی غریب القرآن، صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم الشامیه.
۳. پناهی، مهین؛ کریمی یونجانی، ثریا (۱۳۹۱)، «آموزه اخلاقی وفای به عهد در متون عرفانی»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، دوره ۳، شماره ۱۶، ۱-۲۴.
۴. رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰)، انواع شعر، شیراز: نوید شیراز.
۵. رحیمی، فرهاد (۱۳۹۱)، مظهر التّرکی عبدالرحیم حزین شیروانی، تهران: اندیشه نو.
۶. رزمجو، حسین (۱۳۸۲)، نقد و نظری بر شعر گذشته فارسی از دیدگاه اخلاق اسلامی، ج ۱، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
۷. ری شهری، محمد (۱۳۸۴)، میزان الحکمه، ج ۱، [بی‌جا]: درالحدیث.
۸. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۵)، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران: سخن.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲)، «انواع ادبی و شعر فارسی»، رشد آموزش ادب فارسی، سال ۸، شماره ۳۲، ۹۶-۱۱۹.
۱۰. شیروانی، عبدالرحیم (قرن ۱۲)، هدایت‌نامه، تبریز: کتابخانه ملی تبریز.
۱۱. قاسمی، حسین (۱۳۸۹)، «قسمت و سرنوشت»، سامانه نشریات معرفت، سال نوزدهم، شماره ۱۵۸، ۵۵-۷۲.
۱۲. میرصادقی، جمال (۱۳۸۵)، عناصر داستان، چاپ پنجم، تهران: سخن.
۱۳. یلمه‌ها، احمدرضا (۱۳۹۵)، «بررسی خاستگاه ادبیات تعلیمی منظوم و سیر تطوّر و تحول آن در ایران»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال هشتم، شماره بیست‌ونهم، ۶۱-۹۰.
۱۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶)، «شگردها و علل انگیزه‌های کاربرد مضامین تعلیمی در

منظومه‌های غنایی باتکیه بر منظومه نویافته «ناز و نیاز»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، سال نهم، شماره سی و چهار، ۸-۱۳.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی